

# نعل در آتش

هفده گفتار در حوزه‌های ادبیات و زبان‌شناسی

دکتر بهروز غنچه‌پوری  
(استاد دانشگاه)

انتشارات دانشگاه تبریز

|                     |                                                                                       |
|---------------------|---------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : عزیزدفتري، بهروز، ۱۳۱۷-                                                             |
| عنوان و نام پديدآور | : نعل در آتش هفده گفتار در حوزه‌های ادبيات و زبان‌شناسی / تأليف بهروز عزیزدفتري       |
| مشخصات نشر          | : تبريز: دانشگاه تبريز، ۱۳۹۶.                                                         |
| مشخصات ظاهري        | : ۴۸۸ ص.                                                                              |
| فروست               | : انتشارات دانشگاه تبريز؛ ۷۲۰.                                                        |
| شابک                | : ۲۲۰۰۰۰/- ريال 978-600-8864-09-7                                                     |
| وضعيت فهرست نويسی   | : فپا                                                                                 |
| موضوع               | : زبان‌شناسی - مقاله‌ها و خطابه‌ها Linguistics-Addresses, essays, lectures            |
| موضوع               | : ادبيات فارسی - مقاله‌ها و خطابه‌ها Persian literature - Addresses, Essays, lectures |
| موضوع               | : هنر و ادبيات - مقاله‌ها و خطابه‌ها Art and literature Addresses, essays, lectures   |
| موضوع               | : زبان‌شناسی در ادبيات Linguistics in literature                                      |
| موضوع               | : دانشگاه تبريز University of Tabriz                                                  |
| شناسه آي. ده        | : ۴۱۰                                                                                 |
| رده بندي يوبي       | : ۳۹۶/۷۴۰/۲۱۲۵                                                                        |
| رده بندي کتريه      | : ۴۹۷۹۶۰۰                                                                             |
| شماره کتاب‌شناسی لی |                                                                                       |



انتشارات دانشگاه تبريز

## نعل در آتش

هفده گفتار در حوزه‌های ادبيات و زبان‌شناسی

|                         |                             |
|-------------------------|-----------------------------|
| تأليف:                  | دکتر بهروز عزیزدفتري        |
| ناشر و فروست:           | انتشارات دانشگاه تبريز؛ ۷۲۰ |
| تاريخ و نوبت چاپ:       | ۱۳۹۷ - اول                  |
| شابک:                   | ۷-۰۹-۸۸۶۴-۶۰۰-۹۷۸           |
| شمارگان:                | ۱۵۰۰ نسخه                   |
| قيمت:                   | ۲۵۰۰۰/- ريال                |
| ليتوگرافي، چاپ و صحافي: | انتشارات دانشگاه تبريز      |

اين اثر مشمول قانون حمايت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام يا قسمتی از اين اثر را بدون اجازه ناشر، نشر يا پخش کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

کليه حقوق اثر مزبور برای مؤلف محفوظ است.

نشانی: تبريز - بلوار ۲۹ بهمن - دانشگاه تبريز - تلفن: ۳۳۳۹۲۶۶۹ نمابر: ۳۳۳۴۲۵۶۲-۰۴۱

# فهرست مطالب

## بخش اول: در حوزه ادبیات

- ۱) پیوند فرخنده شعر فرنگی و شعر فارسی: نگاه تازه، بیان تازه و حرف تازه..... ۹
- ۲) درباره ماندگاری شعر..... ۶۱
- ۳) درباره سرو، ست شناساندن عمق اندیشه و ظرافت خیال شاعران ایرانی به جهانیان..... ۷۷
- ۴) فرمالیسم روسی..... ۸۷
- ۵) اشاراتی چند درباره ادبی و ویژگی‌های ادب فارسی..... ۱۳۵
- ۶) درباره همکناری شعر و تصویر..... ۱۴۵
- ۷) «غراب» سروده ادگار آلن پو: نگاهی به ترجمه آن به قلم شجاع‌الدین شفا و..... ۱۶۷
- ۸) عباس کیارستمی: پشت پرده تویی با «زید» اشعارش..... ۲۰۵
- ۹) آخمتووا: سخنی کوتاه به رسم آشنایی..... ۲۴۳
- ۱۰) بیگمالیون مصداق مفهوم «بینامتنیت» در آثار ادب..... ۲۷۵

## بخش دوم: در حوزه زبان و آموزش زبان

- ۱۱) از جمله نامداران ادب روسی..... ۳۰۵
- ۱۲) زبان‌شناسی کاربردی و کاربرد زبان‌شناختی..... ۳۵۳
- ۱۳) ماهیت دانش زبان: «مسئله افلاطون» و «مسئله اورول» یا «مسئله فروید»..... ۳۷۳
- ۱۴) ویگوتسکی و بافت تعامل: این ارتباط مولود کدام عوامل و حاوی..... ۳۹۳
- ۱۵) درباره انطباق ساختار ذهن انسان با ساختار ژانر روایی در پرتو نظریه..... ۴۰۵
- ۱۶) نوام چامسکی: شرح مختصر زندگی و عقاید زبان‌شناختی او..... ۴۱۷
- ۱۷) مارکسیسم و فلسفه زبان: دیدگاه والتین ولوشینوف..... ۴۵۷

## پیش سخن

اکنون دیرسالی است که به خواندن و نوشتن و طالبی به مذاق دل مشغول هستم. انگیزه این کار از پیشه من بعنوان معلم دانشگاه نشأت می گیرد. فعالیتنی که به طبیعت ثانوی بدل شده است، اما در سال های بازنشستگی، بهانه ای برای زیستن. اگر روزی به حکم ضرورت دست از این کار بردارم نمی دانم مهر بر چه افکنم و دل کجا برم. در گردن ستاب آلود زمان که دست اجل هر دم کوس رحلت می زند چاره جز تسلیم نیست، ولیکن آنچه توان مایه دانشی باشد همانا پژواک هستی پس از نیستی است - آن طنین درای کاروان عمر که در کودکان فنا می پیچد. ساده تر گفته باشم آنچه در این زمانه غبن و حسرت مایه تسلی خاطر است یادگاری های نیک و زیباست که از شاعر، نویسنده، پژوهشگر، نقاش، پیکرتراش، آوازه خوان، هنرمند ... به زیر گنبد افلاک می ماند. نباید فراموش کرد که این احساس، معلوم انسان خالق اثر است در زمان حیاتش، و گرنه پس از مرگ، او را از این احساس شکوهمند سهمی نیست. هم از این روست، که گفته می شود اگر از هنرمند قصد تجلیل دارید، در ایامی که او را دل و ذهن زنده است بر صدر نشانید و خاطرش را پاس بدارید.

برگردم بر سر مشغله اصلی. در نگاهی گذرا به عنوان مقاله‌های کتاب نعل در آتش لازم می‌دانم درباره چگونگی پدید آمدن این گفتارها چند نکته را به اختصار بیان کنم: در مواردی پس از آنکه از خواندن کتابی فراغت می‌یافتم، اغلب در جذبه اندیشه‌های ناب صاحب اثر، قلم به دست گرفته، انفعال روحی خود را در مقاله‌ای بازتاب می‌دادم. بعنوان مثال، دو مقاله نعل در آتش: «فرمالیسم روسی» و «پیوند فرخنده شعر فرنگی و فارسی» را پس از خواندن دو کتاب ارزشمند استاد شفیع کدکنی: رستاخیز کلمات (۱۳۹۱) و با چراغ و آینه (۱۳۹۰) به نگارش در آوردم.

نگارش برخی از مقاله‌ها مانند «همکناری شعر و تصویر»، «اشاراتی چند درباره برخی ویژگی‌های ادب فارسی»، «درباره ضرورت شناساندن عمق اندیشه و ظرافت خیال شاعران ایرانی به جهانیان» به یکی از سال‌های گذشته بر می‌گردد. هر یک از این مقاله‌ها حال و هوای خود را دارد که به تبع صرافت روحیه‌ای که در زمان نگارش داشتم، شکل گرفته است. در میان این مقاله‌ها گاهی شرح حال و فعالیت علمی-ادبی شاعر، نویسنده یا هنرمندی لحاظ شده است، از آن جمله است شرح زندگی و نمونه سروده‌های آنا اکتاتووا، شاعره بزرگ روس در نیمه اول قرن بیستم که زندگیش همچون آسمان بهاری گاهی از تابش خورشید درخشان روشنی می‌گیرد و زمانی در سیاهی هراس‌انگیز بادهای توفنده سیاست بعد از انقلاب ۱۳۵۷ فرو می‌رود. برای علاقه‌مندان به هنر ترجمه، مقاله‌ای با عنوان «غراب»، سروده ادگار آلن پو (Edgar Allan Poe, 1809-1842) و نگاهی به ترجمه آن به قلم «شجاع‌الدین شفا و صادق چوبک» بدایت می‌نامم. در این مقاله، متن انگلیسی شعر «غراب/ کلاغ» را آورده‌ام، آنگاه، برای مقایسه با متن اصلی و متن فارسی، اثر این دو ادیب بزرگوار را مد نظر داشته‌ام.

مقاله مربوط به عباس کیارستمی را در هفته‌ای که او ناهنگام در پاریس چشم از جهان فرو بست، به رشته تحریر کشیدم، بیشتر به خاطر معرفی جنبه شاعرانگی این فیلم‌ساز بزرگ ایرانی. و در این کار خود را مدیون دوست خوبم، احمد کریمی حکاک می‌دانم زیرا او بود که کتاب همگام با باد، حاوی اشعار فارسی و برگردان انگلیسی آنها به قلم خود و همکارش مایکل بیرد (M. Beard, 2001) را در سفری که به آمریکا به سال ۱۳۸۵ داشتم، در اختیارم گذاشت.

در هفته‌های پایانی تابستان ۱۳۹۵ که نعل در آتش را برای چاپ آماده می‌کردم، ملهم از موضوعی که استاد شفیی کدکنی (۱۳۹۰: ۲۵۹) در کتاب با چراغ و آینه با عنوان «پیگمالیون» (بت‌تراش) به آن اشارتی گذرا داشته، و نیز به تأثیر پایان‌نامه یکی از دانشجویان دوره کارشناسی ارشد، رشته مترجمی، دانشگاه آزاد اسلامی - تبریز که با نظارت اینجانب نگاشته بود، بر آن شدم مقاله‌ای با عنوان «پیگمالیون» مصداق مفهوم «بینامتنیت» در آثار ادبی را به نگارش آورده، آن را در کتاب حاضر بگنجانم.

بر طبق اسطوره یونانی، پیگمالیون (Pygmalion)، پیکرتراش قبرسی، مجسمه‌ای از مرمر گالاتی (Gallate) می‌سازد. این مجسمه بوسیله یکی از خدایان یونانی به نام آفرودیت (Aphrodite) و بر اثر دعای پیکرتراش (پیگمالیون) جان می‌گیرد و خود پیکرتراش عاشق آن می‌شود. این موضوع در آثار به آفریده خود دل می‌بازد به نظر می‌رسد برای نخستین بار در اسطوره یونانی آمده و اوید (Ovid, 433BC - 18 BC) شاعر رومی، آن را دست مایه یکی از سروده‌های خود، پیگمالیون قرار می‌دهد. بازتاب آن را در نمایشنامه‌ای به همین نام از برنارد شاو (G. Bernard Shaw, 185-1950) در ادب غرب و داستان عروسک پشت پرده (اثر صادق هدایت) و شعر نادر نادرپور (بت‌تراش) و شعر وصال ثراری (بتگر) مشاهده می‌کنیم. مضمون اسطوره یونانی و جای پای آن در آثار ادبی در واقع در تاریخ ادبیات مفهوم «بینامتنیت» است که در نقد ادب و مباحث ترجمه در گذشته و حال به وفور خود را نشان داده، می‌دهد.

به تأثیر یک اثر ادبی، شعر یا نثر، بر روی دیگر آثار ادب در زبان انگلیس اصطلاحاً «intertextuality» گفته می‌شود که برای نخستین بار جولیا کریستوا (Julia Kristeva, 1941-) از اوایل دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ابداع کرد و از آن تعریف مستوفی ارائه نمود.

در بخش اول این کتاب: حوزه ادبیات، مقاله‌های دیگر نیز وجود دارد و اگر بخواهم درباره مناسب نگارش همه آنها در کتاب نعل در آتش سخن بگویم بیم دارم اطباء کلام موجب ملال خاطر شود، اما با تمسک به حوصله پر شکیب خواننده لازم می‌دانم بگویم که همزمان با نگارش مقاله‌های فارسی چندین مقاله به زبان انگلیسی به کتابت در آورده‌ام. از آن جمله است مقاله سیمای حافظ در مکتب حافظ: مقدمه‌ای بر حافظ‌شناسی (چاپ چهارم، ۱۳۸۴) نوشته دانشمند

فقید دکتر منوچهر مرتضوی. و دیگری مقاله‌ای است بر مبنای کتاب ذهن و زبان حافظ، اثر بهاء الدین خرمشاهی پژوهشگر گران سنگ ایرانی. باید اعتراف کنم اگر چه سعی بلیغ کرده‌ام آراء این دو ادیب بزرگوار را در این دو مقاله برای مخاطب فرضی خارجی به بنمایانم، اما در نگاهی به آنچه انجام داده‌ام خود را قطره بارانی می‌بینم خجل از پهنای دریا. هدف من از نگارش این دو مقاله از باور من نشأت می‌گیرد - برای هر ایرانی صاحب قلم که به یکی از زبان‌های معتبر خارجی تسلط دارد بایسته است چکیده عقاید متعالی دانشمندان ایرانی در علم و ادب را در مقاله‌ای، و اگر میسر بود، در کتابی بیاورد، که این خود گامی بزرگ در جهت ارتقای جایگاه علمی - ادبی - هنری ایران زمین خواهد بود.

در این پیشگفتار از عناوین و محتوای دیگر مقاله‌های انگلیسی که نگاشته‌ام سخنی نمی‌گویم زیرا قصد آن دارم همه آن را در مجرای دیگر برای مخاطبان ویژه بیاورم. من کوشیده‌ام در حد بضاعت دانش و به قدر ذوق خودم مطالب این کتاب را مفید و دلپذیر کنم. اگر در راه وصول به این مقصود کایاب و ناممکنی‌ها بودم، آنهم به قضاوت خواننده صاحب نظر. اجر، خود را گرفته‌ام. گرچه به قول حافظ شیرازی «... آثر ندارد نپذیرد انجام». آفرینش آثار ادب مانند شعر، داستان، نمایشنامه و هنرهای دیگر مانند نقاشی، یک تراشی، موسیقی را نهایی نیست و مرا هرگز به سر این سودا نبوده است که جهان ادب را به سنگینی تمام دارم.

خیال حوصله بحر می‌پزد، هیاهات چه‌هاست بر سر این تپه محال اندیش

سخن فراوان است، و بسیارند آیندگان در راه. باشد که هر یک از ادیبان و سخنوران فرزانه این قافله ادب را در راه رسیدن به کمال چراغداری کنند. اینک باید زبان به کام کشید، دفتر را بست و چراغ را کشت. این کار را می‌کنم گرچه هنوز چشم به یار غایب از نظر دارم.

مدتی در عقب سر نگرند

چشم حجاج بدنبال سرست ...

حاجیان رخت چو از مکه برند

تا بجائی که حرم در نظرست

(ایرج میرزا)